ادامه از صفحه ۲

روایتی از تحولات دانشگاه تهران در زمان ریاست عارف

سرسنگی همچنین درباره ادعایی مبنی‌بر ممانعت از سخنرانی انتخاباتی سیدمحمد خاتمی در دانشگاه تهران در زمان تبلیغات ریاست‌جمهوری در سال ۷۶ گفت: برخی از ادعاها چنان بی‌پایه و دور از واقع هستند که حتی پاسخ‌گفتن به آنها نیز خطاست! تا جایی که من مطلعم و در جریان نزدیک آن بوده‌ام، رابطه دوستی بین دکتر عارف و جناب آقای خاتمی به سال‌های دور بازمی‌گردد. در دوره‌ای که دکتر عارف رئیس دانشگاه بودند (قبل از انتخاب‌شدن آقای خاتمی به‌عنوان رئیس‌جمهور) بارها با ایشان به جلساتی رفتیم که آقای خاتمی نیز حضور داشتند؛ چه جلسات کاری و چه جلسات دوستانه. همواره بین آقای خاتمی و دکتر عارف نوعی دوستی صمیمانه و احترام متقابل برقرار بود و تا آنجا که می‌دانم، کماکان هم چنین رابطه‌ای وجود دارد. خاطرم می‌آید دکتر عارف جزء اولین شخصیت‌هایی بود که برای حضور در دولت از سوی رئیس‌جمهور وقت انتخاب شد (البته در آن زمان اتفاقاتی بر سر اینکه دکتر عارف به‌عنوان وزیر علوم معرفی شود یا وزیر پست و تلگراف و تلفن به وجود آمد که حکایت خود را دارد و شاید در جایی دیگر اشاره کنم). با وجود اینکه از همان ابتدای دولت آقای خاتمی تا امروز برخی تلاش کرده‌اند این‌گونه نشان دهند که بین این دو شخصیت اختلافاتی وجود دارد، خوشبختانه چنین چیزی در عمل محقق نشده و این رابطه دوستانه همچنان پابرجا مانده است. درخصوص سخنرانی‌های انتخابات سال ۷۶ باید بگویم که همه کاندیداهای محترم، از جمله جناب آقای خاتمی در دانشگاه تهران و در مسجد این دانشگاه سخنرانی انتخاباتی داشتند و زمانی هم که آقای خاتمی وارد دانشگاه تهران شدند، شخص آقای عارف هم به استقبال ایشان رفت.مشاور رئیس و مدیرکل وقت روابط‌عمومی دانشگاه تهران در پایان تأکید کرد: تحریف تاریخ، آن هم زمانی که هنوز چندان از آن دور نشده‌ایم تا بسیاری از وقایع از خاطرمان برود، امری دور از اصول حرفه‌ای در فعالیت سیاسی است. ضمن اینکه مردم ما و خصوصا دانشگاهیان و فعالان اجتماعی و سیاسی بیشتر از آنچه ما فکر کنیم بر حقایق مسلط هستند و زدودن حقیقت از ذهن آگاه آنها به این سادگی که فرض می‌شود، نیست.

تحلیل «مرتضی مبلغ» از ادعای تشکیل جریان سوم

می‌خواهند اصولگرایان سنتی را دور بزنند

شرق: چند ماهی به انتخابات مجلس مانده و هنوز چیدمان دقیقی در میان نیروهای اصلاح‌طلب دیده نمی‌شود و حتی گاهی چندنوایی از این جبهه سیاسی به گوش می‌رسد. هرچند تنها مشکل این روزهای اصلاحات نبود وحدت درونی نیست و به گفته «مرتضی مبلغ»، علل مختلفی در تضعیف جبهه اصلاحات وجود دارد. برای بررسی این دلایل و نیز ارزیابی فعالیت‌های انتخاباتی اصلاح‌طلبان، ساعتی را با این فعال سیاسی به گفت‌وگو نشستیم که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.

برای شروع گفت‌وگو ارزیابی‌تان را از آرایش سیاسی و برنامه‌های اصلاح‌طلبان برای انتخابات مجلس بفرمایید. با توجه به اینکه این انتخابات خیلی مهم است، به‌نوعی برنده این انتخابات می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در انتخابات ریاست‌جمهوری داشته باشد. از طرفی اوضاع سیاسی اصلاح‌طلبان در چند سال گذشته مساعد نبوده و اقبال عمومی وجود ندارد یا حداقل این نگاه تبلیغ شده است. به نظرتان بهترین سیاست یا آرایش که بتوانند نتیجه مطلوبی بگیرند چیست؟

اصلاح‌طلبان با شرایط خیلی نامساعدی مواجه هستند که عمده‌ترین دلیل به آرایشی که در کل سیاست کشور شکل گرفته، برمی‌گردد و البته گفتمان‌های متفاوتی که میان اصلاح‌طلبان وجود دارد بعضا به‌جای آنکه هم‌افزا باشد، گاهی خنثی‌کننده یکدیگرند. یکه‌تازی عملیاتی تندروها که با حاشیه امن دست به هر کاری می‌زنند، یکی دیگر از مشکلات فعلی جریان اصلاحات است. نقاط ضعفی که با آن مواجه است و فشارهایی که همواره اصلاح‌طلبان با آن مواجه بوده‌اند هم از دیگر مواردی است که مسیر اصلاح‌طلبی در ایران را دشوار کرده. مجموع این موارد موجبات نارضایتی در بین مردم و به تبع آن انفعال و رخوت ایجاد کرده و مردم احساس می‌کنند که با شرکت در انتخابات به جایی نمی‌رسند. تخریب‌ها و ناکارآمدی‌ها باعث شده این هیجان‌ها به جایی نرسند و محصول این عوامل یأس و سرخوردگی است. تندروها در کشور فقط به منافع باندی و شخصی‌شان فکر می‌کنند و اصلاح‌طلبان در شرایطی هستند که در اوج فشارها باید با مشکلاتی دست‌وپنجه نرم کنند که به آنها هیچ ارتباطی ندارد. اصلاح‌طلبان در چند انتخابات گذشته نقش موتور محرک انتخابات را ایفا کردند و مردم هم به آنها پاسخ مثبتی دادند، اما متأسفانه محصولی که انتظار می‌رفت، به دست نیامد و همین امر باعث شد ناکارآمدی‌ها از چشم اصلاح‌طلبان دیده شود و گروه‌هایی ادعا کنند ناکارآمدی‌ها تقصیر اصلاح‌طلبان بوده، اما حقیقت آن است که اصلاح‌طلبان همواره اصل را بر منافع ملی گذاشته‌اند، هرچند ممکن است در مواردی نقاط ضعفی داشته باشند، اما این موضوع نافی هدف راستین آنها؛ یعنی تأمین منافع عمومی نیست. برخی علت مشکلاتی را که پیش‌تر به آن اشاره کردم، به یک موضوع مرتبط می‌دانند و آن حمایت نیروهای اصلاح‌طلب از فردی است که اصلاح‌طلب نبوده است. اینها فراموش می‌کنند که اصلاح‌طلبان به‌خاطر منافع ملی و شرایط کشور که اجازه نمی‌داد نیروهای ویژه خودشان را داشته باشند و به‌خاطر برون‌رفت از مشکلات فزاینده از آقای روحانی حمایت کردند و مشخص است که آنها به‌دنبال منافع ملی هستند، وگرنه سرمایه اجتماعی‌شان را خرج این مسائل نمی‌کردند. الان هم وضع تغییر نکرده است. اصلاح‌طلبان بسیار مطالعه و بحث کرده‌اند که برای انتخابات چه کنیم و هزینه‌فایده خیلی دقیق و عملیاتی کرده‌اند. جمع‌بندی‌شان این است که فاصله‌گرفتن از صندوق رأی خیری برای جامعه ندارد و معایش بیشتر از خیرهای احتمالی‌اش است. گرچه ارتباط با صندوق هم مسائل خودش را دارد، اما در هزینه‌فایده عدم ارتباط و فاصله‌گرفتن با صندوق، هزینه‌هایش برای جامعه بیشتر است. به مردم صادقانه این حرف را می‌زنند هرچند مردم ناراضی و عصبانی هستند، ولی در راستای منافع همان مردم اصلاح‌طلبان این تبیین را خواهند داشت، اما نکته‌ای کلیدی که در این دور برای اصلاح‌طلبان وجود دارد این است که دو نکته راهبردی را رعایت کنند؛ اول اینکه اقتضای زمانه و امروز این است که چون مجلس، مجلسی است که افت پیدا کرده و از جایگاه شایسته خودش خارج شده و هر روز در اثر فشارها و ردصلاحیت‌ها این جایگاه را از دست داده، به مجلسی کارآمد و شجاع نیاز داریم. بنابراین باید با نامزدهایی وارد این مجلس شد که شأن و شایستگی داشته باشند که مجلس را در حد خودش احیا کنند. در دوره قبل مجلس به‌دلیل غلبه اکثریت تندروها مشکلش این بود که تندروها به حاشیه بروند. این‌بار این مشکل را نداریم. این‌بار مجلس تضعیف شده و باید جایگاهش را پیدا کند، پس باید نامزدهایی باشند که از شجاعت و توانمندی و شایستگی لازم برخوردار باشند. راهبرد دوم این است که مجلس یک نهاد است که دو وظیفه دارد؛ یکی وظیفه قانون‌گذاری و دیگری نظارت. در کل مشکلاتی وجود دارد، حداکثر می‌تواند در این زمینه کار کند، بنابراین اصلاح‌طلبان به‌دنبال این هستند که مشخص کنند اگر به مجلس رفتند و موانع هم تا حدی کنار زده شد، در مجلس چه‌کار خواهند کرد که خیر جامعه را با توجه به واقعیات موجود دربر داشته باشد. باید بگوییم اگر به مجلس رفتیم و اکثریت را داشتیم، فلان کارها را انجام خواهیم داد و باید برای این گفته‌ها تضمین دهند. اگر هم اقلیت داشتند، باز بگویند چه کاری انجام خواهند داد و به‌طور شفاف با مردم واقع‌بینانه صحبت کنند و پاسخ این سؤال‌ها را به جامعه بدهند.

به نکته خوبی اشاره کردید؛ اینکه بتوانند با نیروهای خوبی بیایند و بگویند چه خواهند کرد. واقعیتی که اینجا هست شورای نگهبان است؛ یکی از مشکلاتی که همین مجلس با آن مواجه بود، این بود که تمام افراد طراز اول اصلاح‌طلبان رد صلاحیت شدند که ممکن است در این دوره هم تکرار شود. با این مشکل چه باید کرد؟

همواره هم تذکر می‌دهیم و همواره از موضع دلسوزی و نگاه منافع ملی توصیه می‌کنیم و هشدار می‌دهیم که شورای نگهبان باید در رفتارش تجدیدنظر کند. این رفتار به‌هیچ‌وجه به نفع کشور و نظام و مردم نیست و آسیب‌های زیادی به کشور وارد کرده است. از این گذشته اصلاح‌طلبان با راهبردی که اشاره کردم سعی می‌کنند با نامزدهای مؤثر و کارآمد وارد شوند و اگر رد شدند و تعاملات و مذاکرات نتیجه نداد، در حدی که نامزدی برایشان باقی می‌ماند در صحنه هستند. در جایی که نامزد نداشتند از هرکس دیگری دفاع نمی‌کنند، چون مشکل مجلس با دوره قبل فرق می‌کند. بنابراین اعلام می‌کنند که نامزدهای موردنظر ما رد شده‌اند. اگر تعداد کمتری تأیید شدند، با همان تعداد وارد عرصه می‌شوند و شفاف هم به مردم توضیح می‌دهند که علت چیست.

اشاره کردید که سال ۹۲ اصلاحات از سرمایه اجتماعی خودش در راستای منافع ملی استفاده کرد. فرض کنید دو کاندیدای اصولگرا با هم رقابت می‌کردند و یک نفر رئیس‌جمهور می‌شد، چه آسیبی به منافع ملی وارد می‌شد؟ این نظر بخشی از اصلاح‌طلبان است که می‌گویند اصلاح‌طلبان سال ۹۲ سرمایه اجتماعی را بیهوده خرج کردند.

به نظرم این گفته کاملا غیرواقع‌بینانه است. شما را به آستانه انتخابات سال ۹۲ برمی‌گردانم. مهم‌ترینش ردصلاحیت آیت‌الله هاشمی بود. وقتی آقای هاشمی به انتخابات وارد شد، هیچ‌کس از سیاست‌مداران؛ از اصولگرا و اصلاح‌طلب به ذهنش خطور نمی‌کرد ایشان ردصلاحیت شود، ولی این اتفاق افتاد و همان زمان مشخص شد جنبش خفته‌ای که در جامعه بود احیا شده و آقای هاشمی برنده انتخابات است. ردصلاحیت ایشان با هزینه گزافی که داشت، انجام شد؛ بنابراین این اتفاق به وضوح حاکی از آن است که سرنوشت انتخابات را به‌گونه‌ای دیگر برنامه‌ریزی کرده بودند. به محض اینکه یک نفر که مدنظر برخی از جریانات نیست، آمد و احساس شد می‌تواند رأی بیاورد، ردصلاحیت شد. اتفاقا اصلاح‌طلبان در آن شرایط از آن سرمایه اجتماعی استفاده بهینه کردند و نقشه را به‌هم زدند. به‌گونه‌ای عمل کردند که آنچه اتفاق افتاد خلاف تداوم همان جریان گذشته بود. اگر آقای عارف و روحانی با هم می‌ماندند به دلیل توزیع آرا بینشان، می‌توانست آسیب‌زا باشد که آن را هم مدیریت کردند و رأی‌ها به یک نفر رسید که به نظرم نه‌تنها تصمیم درستی بود، بلکه یکی از تصمیم‌های بسیار درست و مؤثر اصلاح‌طلبان در برخی برهه‌های تاریخی همین تصمیم بوده است. برخلاف اینکه برخی عکس این را می‌گویند. تحلیل پس از وقوع راحت است. مضافا اینکه مواضع و عملکرد آقای روحانی در دور اول مثبت بود. اگر مسئله برجام و حل مشکل تورم در دور اول نبود، مردم این‌طور حماسی بیشتر از دور اول رأی نمی‌دادند. پس قضاوت جامعه هم مثبت بود.

اما امروز بخش زیادی از آن سرمایه اجتماعی از بین رفته. بازگشت این سرمایه که به گفتمان اصلاحات آسیب زده، با اصرار ماندن در قدرت به هر قیمتی برمی‌گردد یا نه؟

افت سرمایه اجتماعی فقط مربوط به اصلاح‌طلبان نیست، بلکه یک مسئله ملی و عمومی است که دامن همه را گرفته و اتفاقا سهم اصلاح‌طلبان از این افت اگر کمتر نباشد بیشتر هم نیست. نکته دیگر اینکه در این دوره دیگر ائتلافی در کار نیست.

اما آقای عارف به‌عنوان رئیس شورای سیاست‌گذاری، می‌گوید دستمان برای ائتلاف باز است.

آقای عارف هم جزء کسانی است که مخالف ائتلاف در این دوره است. ایشان در این موضوع نظرشان بر ائتلاف در انتخابات مجلس نیست. اینجا باید یک نکته کلیدی را توضیح دهم. اتفاقی که بعد از سال ۹۲ و به‌خصوص ۹۴ افتاد این بود که پایگاه اصلاح‌طلبی در جامعه به شکل برجسته‌ای ظهور پیدا کرد؛ یعنی نشان داد اگر پایگاه اصلاح‌طلبی، اعم از اصلاح‌طلبان به حرکت دربیاید، بسیاری از نقشه‌های پیچیده و برنامه‌ها را می‌تواند خنثی کند. در داخل تندروها تلاش کردند با انواع برنامه‌سازی‌ها و جنگ‌های روانی و از رسانه‌های عمومی و غیرعمومی شروع کردند. خارج‌نشین‌ها، جریانات برانداز و سرنگونی‌طلب‌ها هم تحلیلشان این بود که این‌همه تلاش می‌کنیم و تنها عاملی که اجازه نمی‌دهد نقشه‌هایشان نتیجه دهد، اصلاح‌طلبان است و تا اصلاح‌طلبان در این کشور هستند نمی‌توانند کاری کنند، بنابراین حرکت سیستماتیک دقیق حساب‌شده علیه اصلاح‌طلبان و جریان اصلاح‌طلبی شروع و به نحو بی‌سابقه‌ای در موردش کار شد و آموزه‌هایی مطرح شد که می‌خواهد جریان اصلاح‌طلبی را تحت‌الشعاع قرار دهد.

ادامه در صفحه ۶

الو شرق ۸۸۹۴۸۲۷۳

sharghline@sharghdaily.ir
پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

● چهارشنبه هفدهم مهر موتورسیکلتم را تازه از کارواش آوردم و جلوی خانه بدون پارکینگ خود پارک کردم. عوامل ناحیه یک شهرداری منطقه ۱۴ دیوار برخی خانه‌های خیابان سیرجان، انتهای کوچه عسکری را شستند و تمام کثیفی‌ها و آشغال‌ها روی موتورسیکلت من و دیگر خودروها پاشید. سرپرست ناحیه یک چه توجیهی برای جبران خسارت به وسایل نقلیه ساکنان دارد؟

از ساکنان کوچه رازی

● **اخراجی‌ها:** دوستی تعریف می‌کرد یک بنگاه انتشاراتی در کمتر از ۲۰ روز سه نفر از کارکنانش را اخراج کرد! با این اوضاع و احوال کار آیا سزاوار است برخی‌ها طاقت انتقاد ندارند و در حق کارمندان خود اجحاف می‌کنند؟ آیا مرجعی به این‌گونه مسائل رسیدگی می‌کند؟

عرفانی

● **قدردانی از پاک‌سازی خیابان شهرستانی:** خوشبختانه پس از مدت‌ها و با اعتراض‌های فراوان، خیابان شهرستانی واقع در میدان امام حسین(ع) به‌کمک شهرداری منطقه ۱۳، قوه قضائیه و نیروی انتظامی به‌طور ویژه از وجود بساط‌گستران و سدکنندگان معبر پاک‌سازی شد. همچنین برخی از عرضه‌کنندگان موادغذایی تاریخ‌گذشته بازداشت و انبارهایی که به محل نگهداری آن مواد تبدیل شده بود، پلمب شدند. جا دارد از این اقدام عوامل مربوطه قدردانی کنیم و از آنها تقاضا داریم این‌گونه طرح‌ها که باعث رعایت قانون از سوی کاسبان محل می‌شود، ادامه داشته باشد.

علی‌اکبر فرقانی

● **چرا محدودیت در شارژ؟** ایستگاه‌های مترو بیش از ۴۵ هزار تومان کارت بلیت‌ها را شارژ نمی‌کنند. نباید با ایجاد محدودیت مسافران رنجانده شوند.

مهدیه مرادی

● **گلایه از شهردار منطقه ۱۴:** برای رسیدگی به موضوعی با یکی از کارشناسان روابط عمومی شهرداری منطقه ۱۴ تماس گرفتم، گفتند دقایقی بعد تماس می‌گیرند اما تماس نگرفتند!

علی

● مسئولان منابع طبیعی مازندران سری به روستای دوگل بعد از ورسک بزنند تا ببینند که چطور فردی زمین‌های کنار رود را قطعه‌بندی کرده و به فروش رسانده است.

یک مخاطب